

منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی

الکساندر آکیمف^۱

ترجمه بدرالزمان شهبازی

شاید این تصور درست باشد که سیاست اقتصادی ایران در مناطق شمالی در قالبی وسیعتر ماورای قفقاز، آسیای مرکزی و روسیه را دربر می گیرد. در این حالت توافقنامه های اقتصادی چندجانبه و قراردادهای تجاری و سرمایه گذاری امضا می شود. چنین همکاری چندجانبه ای، پروژه های ایران - روسیه در آسیای مرکزی و نیز پروژه های ایران - آسیای مرکزی در روسیه را رسمیت می بخشد. ایران در این پروژه های می تواند به عنوان یک ضامن عمل کند زیرا کمبود سرمایه گذاری ها و پایبندی حقوقی در جامعه مشترک المنافع، تجارت در میان اعضای جامعه را مانع می شود.

در حال حاضر اقتصاد ملی کشورهای آسیای مرکزی در حال انتقال است. دو منبع انتقال وجود دارد: نوع اول اساساً برای اقتصاد بازار برنامه ریزی شده و نوع دوم تغییر در روابط اقتصادی خارجی است. اقتصاد باز پیش شرطی برای ورود به اقتصاد نوین جهان است و بنابراین هرگونه اصلاحات اقتصادی نشأت گرفته از بازار در منطقه آسیای مرکزی در راستای اهمیت روزافزون روابط اقتصادی خارجی در اقتصاد ملی قرار دارد. آمار در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱ - تجارت خارجی کشورهای آسیای مرکزی در ۹۳-۱۹۹۲ (میلیون دلار)

۱۹۹۳		۱۹۹۲		جمهوری
واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۳۵۸/۳	۱۲۷۰/۶	۴۶۸/۸	۱۴۸۹/۳	قزاقستان
۹۴۷/۳	۷۰۶/۵	۹۲۹/۳	۸۶۹/۳	ازبکستان
۴۹۰/۰	۱۱۵۷/۰	۲۹/۷	۹۰۸/۴	ترکمنستان
۱۰۵/۸	۱۰۰/۴	۷۰/۵	۷۶/۵	قرقیزستان
۳۷۰/۶	۲۶۳/۲	۱۳۲/۲	۱۱۰/۸	تاجیکستان
۲۲۷۲/۰	۳۴۹۷/۷	۱۶۳۰/۵	۳۴۵۴/۳	کل آسیای مرکزی

منبع: Delovi Mir, ۲۷-۲۱ فوریه ۱۹۹۴، ص ۱۴.

طی دو سال اخیر یعنی از هنگامی که اصلاحات اقتصادی شروع شد، آمار کل منطقه‌ای ثبات رشد صادرات و واردات را نشان داد. متوسط تجارت منطقه‌ای از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. اکنون به اندازه کافی آشکار است که این تنها آغاز تطابق اقتصاد منطقه‌ای با الگوی جدید است.

جدول ۲- کاهش تولیدات صنعتی در کشورهای آسیای مرکزی

ژانویه - ژوئن ۱۹۹۴ در مقایسه با دسامبر ۱۹۹۳

کشور	درصد کاهش
قزاقستان	۳۶
ازبکستان	۳۳
ترکمنستان	۵۲
قرقیزستان	۵۲
تاجیکستان	۳۳
جامعه مشترک المنافع به طور متوسط	۳۱

منبع: Delovi Mir ۹ نوامبر ۱۹۹۴، ص ۴.

هنگامی که کشورهای آسیای مرکزی با نیاز به باز کردن اقتصاد خود برای ورود به اقتصاد بین‌الملل روبه‌رو می‌شوند شرکایی را انتخاب می‌کنند که در این توسعه به آنها کمک کنند. کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند در سه جهت به دنبال نقش جدید خود در اقتصاد جهانی باشند. در ابتدا احتمال ائتلاف اقتصادی آسیای مرکزی است که می‌تواند اتحاد اقتصادی نسبتاً خودکفایی را با کمی دگرگونی در تجارت خارجی شکل دهد. توازن کامل این اتحاد می‌تواند حداقل در بخش کشاورزی و انرژی بدون نیاز به واردات مواد خوراکی و واردات انرژی مثبت باشد. استخراج و ذوب فلزات آهنی و غیرآهنی و مهندسی سبک قزاقستان و ازبکستان و صنایع سبک این کشورها به یکپارچگی بالقوه این اتحاد اقتصادی فرضی می‌افزاید. اما این اتحاد می‌تواند تنها بر پایه‌ای غیراقتصادی بنا شود و باید متذکر شد که آسیای مرکزی کاملاً متفاوت است. با رجوع به جدول شماره ۳ می‌بینید که قزاقستان به طور آشکار رهبریت اقتصادی را دارا می‌باشد. ازبکستان از حجم اقتصادی مشابهی برخوردار است اما به دلیل جمعیت زیاد و منابع طبیعی کمتر بار مشکلات اجتماعی جدی‌تری را به دوش می‌کشد. از نظر

شاخص‌های سرانه، ترکمنستان کشور شماره دو است. قرقیزستان و تاجیکستان در بدترین وضعیت قرار دارند و این به دلیل جمعیتی کم و اقتصادی کوچک است. توان توسعه اقتصادی در این دو کشور به دلیل منابع نسبتاً ضعیف معدنی و کشاورزی بسیار محدود است.

جدول ۳- درصد توزیع جمعیت (در ۱۹۹۳) و تولید ناخالص داخلی (در ۱۹۹۱)
در آسیای مرکزی

کشور	(درصد) جمعیت	(درصد) تولید ناخالص داخلی
قزاقستان	۳۲/۳۳	۴۶/۳۳
ازبکستان	۴۰/۷۹	۳۱/۹۶
ترکمنستان	۷/۵۲	۷/۴۲
قرقیزستان	۸/۶۵	۷/۷۸
تاجیکستان	۱۰/۷۱	۶/۵۳
کل آسیای مرکزی	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

منبع: محاسبه طبق اطلاعات جدول ۶

تنها اهداف سیاسی می‌تواند منابع را از کشورهای غنی‌تر به کشورهای ضعیف‌تر منطقه منتقل کند، البته مواردی هم وجود دارد که منافع متقابل حاصل از همکاری، آشکار است. مثلاً ازبکستان و تاجیکستان هر دو به تبادل الکتریسیته نیاز دارند. منطقه شمالی تاجیکستان از ایستگاههای برق ازبکستان تأمین می‌شود. انرژی الکتریکی ارزان از ایستگاههای هیدروالکتریک تاجیکستان بسیار قابل رقابت با ازبکستان است. چارچوب قراردادهای تجاری میان دولتهای جامعه مشترک‌المنافع در میان کشورهای آسیای مرکزی بندرت نقض می‌شود.

به علاوه هیچ پیش شرط آشکاری برای اتحاد اقتصادی منطقه وجود ندارد یعنی:

- هیچ کالای صادراتی مشترک نظیر موز در آمریکای مرکزی یا نفت در اوپک

در آنجا وجود ندارد؛

- اتحاد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی نه خودکفایی را تضمین می‌کند و نه توان

صادراتی اقتصادی یکپارچه را تقویت می‌کند؛

- نیازی به متحد کردن بازارهای خانگی به آن شکلی که در اروپای غربی در زمان شروع

اتحاد اقتصادی وجود داشت، نیست.

جدول ۴- عملکرد ازبکستان در رابطه با توافقه‌های میان دولتها برای حمل
به وسیله کشتی به دیگر کشورهای آسیای مرکزی در ۱۹۹۳ (به درصد)

کشور تحویل گیرنده	گاز طبیعی	زغال سنگ	واگنهای خط آهن	الیاف نخی	تراکتور
قزاقستان	۶۳	۴۵۰	۳۱	۲۹	-
قرقیزستان	۱۹۲	-	۳۴	-	-
تاجیکستان	۶۶	۷	۴۸	-	۱۵
ترکمنستان	-	۶۱	۱۵	-	۱۲۷

منبع: Delovoi Mir، ۲۰ مارس ۱۹۹۴، ص ۵.

جدول ۵- عملکرد ترکمنستان در رابطه با توافقه‌های میان دولتها برای حمل
به وسیله کشتی به دیگر کشورهای آسیای مرکزی در ۱۹۹۳ (به درصد)

کشور تحویل گیرنده	گازوئیل	سوخت دیزل	بقایای نفت سوختی	الیاف نخی	اسید سولفور
قزاقستان	-	-	-	۶	-
قرقیزستان	-	-	۱۵۰	۱۲۶	-
تاجیکستان	-	-	-	-	-
ازبکستان	۱۱	۴	۶	۸	۱

منبع: Delovoi Mir، ۲۰ مارس ۱۹۹۴، ص ۴.

از سوی دیگر می توان شرکا را از میان کشورهای همسایه جستجو کرد. کشورهای زیر در این فهرست قرار دارند: روسیه، ایران، ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، چین و هند. این فهرست نه تنها همسایگان جغرافیایی آسیای مرکزی بلکه چند کشور دیگر را که مرز مشترکی با کشورهای آسیای مرکزی ندارند اما تمایل خود به مشارکت در این منطقه را ابراز کرده‌اند، و همچنین قدرتهای ثروتمند و بانفوذ منطقه‌ای را نیز دربر دارد. توان اقتصادی کشورهای ذکر شده در صورت تشکیل اتحاد قاره‌ای، قابل مقایسه با جامعه اقتصادی اروپا و رقیب جامعه آسیا-پاسیفیک است. منطقه قاره‌ای مشخص شده در بالا چندان سعادت‌مند نیست. در ۱۹۹۳ جمعیتی در حدود ۴۶ درصد جمعیت جهان را دارا بود در حالی که تولید ناخالص داخلی آن ۷/۵ درصد تولید ناخالص جهان بود. رجوع کنید به جداول ۶ و ۷. این منطقه شامل پُرجمعیت‌ترین

کشورهای جهان است و به همین دلیل شاخص‌های سرانه پایین و نسبت جمعیت به تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص، بسیار ناهمگون است و این حتی در اقتصاد منطقه‌ای نیز بسیار ضعیف خواهد بود. مثلاً رشد اقتصادی چین در سالهای اخیر نمونه‌ای از استراتژی موفق و خلاق اقتصادی است. شاخصهای اقتصادی کلان نمایانگر رشد خوب و ثابت اقتصادی در چین است اما شاخصهای سرانه همچنان پایین است. این ویژگی برای تحلیل عینی شاخصها در جداول ارائه شده لازم است. شاخصهای سرانه پایین می‌تواند در کنار رشد اقتصادی پیش رود و شاخصهای سرانه بهتر می‌تواند بحرانهای شدید اقتصادی مانند بحران روسیه و دیگر کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و آسیای مرکزی را پنهان کند. باید ذکر کرد که این دو حالت در این منطقه وجود دارد و شاخصهای متوسط را به صورت نمادهایی جلوه‌گر می‌سازد که مکانیسم رشد اقتصادی را آشکار نمی‌کند.

جدول ۶- جمعیت و تولید ناخالص داخلی آسیای مرکزی و دیگر کشورهای منطقه‌ای قاره‌ای

کشور یا منطقه	جمعیت به میلیون	تولید ناخالص داخلی سرانه در ۱۹۹۱ (۱۰۰۰ دلار)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
قزاقستان	۱۷/۲	۲/۴۷۰	۴۲/۴۸
ازبکستان	۲۱/۷	۱/۳۵۰	۲۹/۳۰
ترکمنستان	۴/۰	۱/۷۰۰	۶/۸۰
قرقیزستان	۴/۶	۱/۵۵۰	۷/۱۳
تاجیکستان	۵/۷	۱/۰۵۰	۵/۹۹
کل آسیای مرکزی	۵۳/۲	۱/۷۲۳	۹۱/۶۹
روسیه	۱۴۹/۰	۳/۲۲۰	۴۷۹/۷۸
ایران	۶۲/۸	۲/۳۲۰	۱۴۵/۷۰
ترکیه	۶۰/۷	۱/۸۲۰	۱۱۰/۴۷
پاکستان	۱۲۲/۴	۰/۴۰۰	۴۸/۹۶
ایران، ترکیه و پاکستان	۲۴۵/۹	۱/۲۴۱	۳۰۵/۱۳
عربستان سعودی	۱۷/۵	۷/۰۷۰	۱۲۳/۷۳
هند	۸۹۷/۴	۰/۳۳۰	۲۹۶/۱۴
چین	۱۱۷۸/۵	۰/۳۷۰	۴۳۶/۰۵
کل جهان	۵۵۰/۶	۴/۱۸۰	۲۳۰۱۵/۰۸

آمار جمعیت مربوط به سال ۱۹۹۳ و آمار تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه مربوط به سال ۱۹۹۱ است. منبع: اطلاعات جمعیت جهان ۱۹۹۳ از اداره جمعیت در واشنگتن دی. سی.

جدول ۷- سهم کشورهای آسیای مرکزی و منطقه در آمار جهانی

کشور یا منطقه	درصد سهم در جمعیت جهان در ۱۹۹۳	درصد سهم در تولید ناخالص داخلی جهان در ۱۹۹۱
آسیای مرکزی	۰/۹۷	۰/۴۰
روسیه	۲/۷۱	۲/۰۸
ترکیه، ایران، پاکستان	۴/۴۷	۱/۳۳
عربستان سعودی	۰/۳۲	۰/۵۴
هند	۱۶/۳۰	۱/۲۹
چین	۲۱/۴۰	۱/۸۹
کل جهان	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

منبع: محاسبه بر طبق اطلاعات و آمار جدول ۶.

با این وجود باید ذکر کرد که آسیای مرکزی در مقایسه با میزان متوسط منطقه قاره‌ای وضعیت بهتری دارد. چنانچه آمار اتحاد شوروی سابق پیش از بحران ۱۹۹۱ در نظر گرفته شود، شاخصهای سرانه آسیای مرکزی نسبتاً بالا هستند. آسیای مرکزی نسبت به هند، چین و حتی ایران، ترکیه و پاکستان تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتری دارد. این کشورها و کشورهای آسیای مرکزی، کشورهایی را تشکیل دادند که تولید ناخالص داخلی سرانه روبه‌کاهش دارند و عبارت‌اند از قزاقستان، ایران، ترکیه، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و پاکستان. حتی پس از سه سال رکود اقتصادی نسبت جمعیت به تولید ناخالص داخلی در آسیای مرکزی بالاتر از چندین کشور همسایه است. چنانچه سهم تولید ناخالص داخلی در کل جهان را در نظر بگیریم، آسیای مرکزی در آخرین رده از این منطقه قرار دارد. به جدول شماره ۷ رجوع کنید.

آخرین استراتژی (اما نه چندان کم‌اهمیت) برای تطابق با اقتصاد جهان جستجو برای شرکایی از میان سایر کشورهاست. آشکار است که این شرکا چندان زیاد نخواهند بود. تصویری طبیعی این است که روسیه و جامعه مشترک‌المنافع، چین و هند، کشورهای بزرگ اسلامی (ترکیه، ایران، پاکستان، عربستان سعودی) و نیز کشورهای توسعه یافته اروپای غربی، آمریکا و ژاپن مهمترین شرکای اقتصادی آسیای مرکزی خواهند بود. در ترکیه و پاکستان که فاقد منابع طبیعی و منابع بزرگ هستند و برای اقتصاد گرسنه هند، چین و روسیه که چندین دهه همکاری فعال با منطقه داشته و دارای شبکه حمل و نقلی می‌باشند که به اتحاد اقتصادی کمک می‌کند استفاده و کنترل منابع آسیای مرکزی یک ضرورت عینی است.

برای ایران در آسیای مرکزی هیچ منبعی وجود ندارد که از نظر اقتصادی دارای ارزش حیاتی باشد. نقش منابع آسیای مرکزی در اقتصاد عربستان سعودی و کشورهای توسعه یافته ناچیز است. سیاست کشورهای توسعه یافته در آسیای مرکزی بخشی از استراتژی بین‌المللی آنها و مبتنی بر تصمیمات ذهنی است تا نیازهای اقتصادی عینی آنها. به زبان ساده‌تر باید گفت که آسیای مرکزی هیچ‌گاه برای کشورهای توسعه یافته اوپک دوم نخواهد بود.

در هر حال تمامی کشورهای ذکر شده در بالا آمادگی خود را برای همکاری با آسیای مرکزی اعلام کرده‌اند. دولت‌های آسیای مرکزی نیز به نوبه خود اعلام داشته‌اند که این ملتها شرکای خوبی هستند و از آنها استقبال می‌شود. این کشورها به‌طور فعال با آسیای مرکزی تجارت و مبادله کرده و روابط اقتصادی غیرتجاری آنها نیز در حال پیشرفت است. با این حال چنانچه چشم‌انداز تطابق آسیای مرکزی با اقتصاد جهانی بررسی گردد، از آنجا که این روند تازه شروع شده است این کشورها را می‌توان شرکای بالقوه قلمداد کرد تا شرکای واقعی.

اظهارات رسمی و حرکت‌های واقعی دولت‌های آسیای مرکزی به سوی همکاری با کشورهای فوق‌الذکر در سالهای اخیر تغییراتی ناگهانی داشت. این حاکی از آن است که روند انتخاب شرکا هنوز خاتمه نیافته است. اما همچنان واضح است که ظهور شرکای جدید بالقوه چندان متحمل نیست زیرا فهرست شرکای بالقوه، از نظر جغرافیایی و فرهنگی کشورهای نزدیک و یا قدرتهای بزرگ اقتصادی و یا کشورهایی را دربر می‌گیرد که هردو ویژگی را دارند. ادعاهای شرکای بالقوه مذکور مبنی بر همکاری با آسیای مرکزی را توان عظیم تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری آنها حمایت می‌کند. کشورهای آسیای مرکزی در روابط اقتصادی فعلی شرکای مستقلی هستند اما در تحلیل اولیه و هنگامی که تطابق آنها با اقتصاد جهانی موردنظر است، می‌توان آنها را به‌عنوان یک واحد تلقی کرد. مسئله همجواری و گاهی اوقات مشابهت در کالاهای صادراتی (گاز طبیعی، نفت، پنبه، سنگ معدن کروم) ممکن است رقابت میان کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای قاره‌ای را تحت شرایط خاصی قرار دهد؛ اما اکنون چشم‌انداز همکاری بیشترین احتمال را دارد.

آسیای مرکزی تازه‌واردی ضعیف به بازار جهانی نیست. قزاقستان کشوری پیشگام در تولید سوخت و مواد معدنی و انواع تولیدات معدنی است. به جدول ۸ رجوع کنید. این کشور توان صادراتی عظیمی در سوخت، سنگ معدن و مواد معدنی غیرفلزی دارد. مبنای اقتصادی دیگر کشورهای آسیای مرکزی بر مواد معدنی نظیر طلا و گاز در ازبکستان، گاز در ترکمنستان و اورانیوم در قرقیزستان و تاجیکستان است.

جدول شماره ۸- گزیده تولیدات موادخام در آسیای مرکزی، کشورهای همسایه و کل جهان در ۱۹۹۱

کشور	نفت (میلیون تن)	گاز (میلیارد مترمکعب)	زغال سنگ (میلیون تن)	مس (۱۰۰۰ تن)	چرم (۱۰۰۰ تن)
قزاقستان	۱۹/۱۰	۷/۳۰	۸۲/۸۰	۲۷۹	۲۷۴/۵۰
ازبکستان	۱	۴۳/۸۰	۴/۱۰	۶۳	۳۱/۵۰
ترکمنستان	۴/۱۰	۹۵/۶۰	-	-	-
قرقیزستان	۰/۲۰	۰/۲۰	-	-	-
تاجیکستان	۰/۲۰	۰/۲۰	-	-	۲۷
روسیه	۴۷۳/۸۰	۶۱۸/۴۰	۲۴۰/۱۰	۵۳۱	۱۱۲/۵۰
ایران	۱۶۶	۲۶	۱/۴۰	۸۰/۷۰	۱۲/۶۰
ترکیه	۲/۴۰	-	۲/۸۰	۳۹	۱۴/۶۰
پاکستان	۳/۲۰	-	۳/۱۰	-	-
عربستان سعودی	۴۱۰	۳۲	-	-	-
هند	۳۳	۱۲/۷۰	۲۱۵	۵۹/۱۰	۴۵/۱۰
چین	۱۳۹	۱۴/۹۰	۱۰۸۷/۴۰	۳۰۰	۲۸۰
کل جهان	۳۱۴۹	۱۸۹۳/۲۰	۳۴۵۲/۸۰	۸۱۹۲/۸۰	۲۸۹۵/۴۰

سایر موادخام

کشور	روی (۱۰۰۰ تن)	کروم (۱۰۰۰ تن)	نقره (تن)	طلا (تن)	پنبه (میلیون کیسه)
قزاقستان	۴۱۲/۵۰	۱۰۳۵/۵۰	۶۸۶	۰/۳۰	-
ازبکستان	۲۲/۵۰	-	۴۲	۴۵/۵۰	۶/۳۰
ترکمنستان	-	-	-	-	۱/۷۰
قرقیزستان	-	-	-	-	-
تاجیکستان	۱۵	-	-	-	-
روسیه	۲۸۵	۵۴/۵۰	۵۸۸	۱۸۷/۵۰	-
ایران	۵۰	۷	-	-	-
ترکیه	۲۱	۳۴۶	۷	-	۲/۶۰
پاکستان	-	۶	-	-	۸/۸۰
عربستان سعودی	-	-	-	-	-
هند	۱۵۵/۹۰	۳۲۹	۳۵	۲/۲۰	۱۰/۵۰
چین	۶۵۰	-	۱۵۰	۱۲۰	۲۲
کل جهان	۶۵۹۴/۱۰	۳۲۱۸	۱۲۹۰۱	۱۸۴۵/۷۰	۷۳/۴۰

اگر در نظر بگیریم که کشورهای همسایه از نظر سیاست صادراتی متحد باشند، کارتل‌های صادراتی جهان توسط قزاقستان و ترکیه در صدور سنگ معدن کروم و کارتل پنبه توسط چین، هند و ازبکستان ایجاد می‌گردد و بازار نفت با تلاشهای مشترک کشورهای خلیج فارس، روسیه، ایران و چین تحت کنترل درمی‌آید.

کارتل‌ها با رقابت محلی می‌توانند در بازارهای زیر توسعه یابند:

- گاز (ازبکستان، ترکمنستان و روسیه)

- چرم و سنگ معدن روی (تمام کشورهای آسیای مرکزی و روسیه)

- نقره (قزاقستان و روسیه)

- طلا (ازبکستان و روسیه)

در شرایط اقتصادی فعلی کشورهای آسیای مرکزی دارای بهترین یا بدترین شریک تجاری نیستند، زیرا هریک از این شرکا محاسن و معایبی دارند. بدون تردید، تصمیمات سیاسی بر انتخاب شرکای اقتصادی مؤثر است. این شرکای اقتصادی نیز به‌نوبه خود استراتژی‌های متفاوتی در منطقه دارند. مثلاً اگر شرایط انطباق با اقتصاد جهانی را در نظر بگیریم، همکاری با کشورهای توسعه‌یافته بهترین راه است اما در این صورت، موضع کشورهای توسعه‌یافته بسیار خطیر و مهم است. دیگر شرکای بالقوه کشورهای غیرصنعتی و دارای اقتصادی می‌باشند که مشابه اقتصاد آسیای مرکزی است و یا برای توسعه صنعتی خود به منابع آسیای مرکزی نیاز دارند. برای آسیای مرکزی بازار فروش بیشتری وجود دارد.

احتمال دیگری نیز وجود دارد. بدین ترتیب که قدرتهای چندملیتی در آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده و بازار سرمایه را در آنجا متوقف کنند و کشورهای همسایه که عملاً علاقه‌مندی بیشتری به منابع آسیای مرکزی دارند از طریق این قدرتها با آنها مبادله کنند.

از نقطه نظر استقلال سیاسی و اقتصادی، همکاری با کشورهای اسلامی و هند مطمئن‌تر است. همکاری با روسیه محافظه‌کارانه‌ترین استراتژی است که کمترین تغییرات مثبت و منفی را به دنبال دارد. چین به دلیل رشد سریع اقتصادی سعادتمندترین شریک است، اقتصاد این کشور گسترده است و می‌تواند با تمامی کشورهای آسیای مرکزی یکی شود. این مزایا در عین حال به‌عنوان نقیصه نیز محسوب می‌شوند زیرا چین می‌تواند به راحتی جانشین روسیه در منطقه شده و ارتباط آن را با سایر کشورها قطع کند.

توسعه واقعی در جذب شرکای خارجی به کشورهای آسیای مرکزی به مفهوم واقعی آن کاملاً متفاوت است. قزاقستان دارای بزرگترین سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه می‌باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها در تولید سوخت و مواد معدنی است. «شرکت نفت شورون» ۲۰ میلیارد دلار در

بخش نفتی قزاقستان سرمایه‌گذاری می‌کند. آجیپ^۱، بریتیش گاز^۲، بریتیش پترولیوم^۳، استات ایل^۴، موبیل ایل^۵، شل اکسپلوریشن^۶ و توتال^۷ برنده روند توسعه بخش قزاق منطقه دریای خزر شدند که طبق برآورد دارای ۳/۵ میلیارد تن نفت و ۲۰۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است. این پروژه مقادیر قابل ملاحظه سرمایه را نیز به اقتصاد قزاقستان سرازیر می‌کند. معادن طلای قزاقستان توجه شرکت‌های استرالیایی، آمریکایی، کانادایی، فرانسوی و قبرسی را به خود جلب می‌کند. «توسعه منابع» آمریکا ۱ میلیون دلار برای توسعه معادن مس سرمایه‌گذاری خواهد کرد. قزاقستان برای افزایش واردات الکتریسیته که اکنون ۱۶ میلیارد کیلووات ساعت در سال است، نیروگاه گازی در اطراف آکتیوبینسک^۸ می‌سازد. این پروژه مستلزم ۵۸۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری است و به‌طور مشترک به وسیله ترکیه و آمریکا انجام می‌شود. تجهیزات این پروژه توسط شرکت آلمانی زیمنس نصب می‌شود. طرف قرارداد، حق توسعه میدان نفتی در قزاقستان را به‌عنوان دستمزد می‌گیرد. شرکت‌های غربی تنها در صنایع سنگین قزاقستان سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، مثلاً فیلیپ موریس^۹ کارخانه توتون در آلماتا را خریداری کرده و کارخانه پلی اتیلن اینترپلاست^{۱۰} سرمایه‌گذاری مشترکی با شرکت اسرائیلی لیرال^{۱۱} است.

از ۱۰۰۰ سرمایه‌گذاری مشترک ثبت شده در قزاقستان تا پایان سال ۱۹۹۳، بیش از ۳۰۰ مورد آن با شرکای چینی بوده است. این شرکتها عمدتاً تجاری هستند؛ ۱۵۰ سرمایه‌گذاری مشترک قزاق - ترک، تبادلات چرم، وسایل الکتریکی و کارهای ساختمانی هستند. اگر تعداد کارفرمایان اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک را در نظر بگیریم، آمریکا سومین کشور است اما از نظر میزان سرمایه‌گذاری اولین است. روابط قزاقستان - روسیه تحت تأثیر فقدان چارچوب قانونی مناسب برای همکاری است. برای قزاقها اغلب راحت‌تر است که با شرکایی سهام شوند که خارج از جامعه مشترک‌المنافع قرار دارند. در بهار ۱۹۹۴ تعداد ۱۴۰ سرمایه‌گذاری مشترک قزاق - ترک و ۱۰ سرمایه‌گذاری مشترک قزاق - روس وجود داشت. در مسکو و آلماتا گروه‌های کاری برای بررسی پیشنهادها و اسناد بازرگانی به‌منظور ایجاد گروه‌های مالی - صنعتی توسط کارفرمایان اقتصادی قزاق - روس تشکیل شده است.

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 1. Agip | 2. British Gas |
| 3. British Petroleum | 4. Statoil |
| 5. Mobile oil | 6. Shell Exploration |
| 7. Total | 8. Aktyubinsk |
| 9. Phillip Morris | 10. Interplast |
| 11. Liral | |

تا اواخر ۱۹۹۳ تعداد ۹۰۰ سرمایه‌گذاری مشترک در ازبکستان و عمدتاً در تولید و تجارت‌های جزئی ایجاد شده است. اکثریت شرکا، شرکت‌های چینی و ترک هستند. سرمایه‌گذاری‌های خارجی در معادن ازبک نسبتاً کم است. مهمترین پروژه استخراج معدن تحت کنترل سرمایه‌گذاران خارجی است. مثلاً شرکت لورهو^۱ بریتانیا و «گروه بین‌المللی مالی» بانک جهانی با همکاری دو شرکت دولتی ازبک، توسعه استخراج طلا را به عهده دارند. برای سرمایه‌گذاری این پروژه بیش از ۲۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری لازم است. «بانک اروپایی بازسازی و توسعه» در سرمایه‌گذاری برای این پروژه مشارکت خواهد داشت.

در ازبکستان، پنبه بیشترین جاذبه را دارد. شرکت‌های ترک در تهیه پنبه مشارکت فعالی دارند، تا مواد خام ارزان برای صنعت نساجی ترکیه را به دست آورند. در میان تولیدکنندگان پنبه جهان ازبکستان در مقام چهارم قرار دارد. از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۳ زمین زیرکشت پنبه بیش از ۵۰۰،۰۰۰ هکتار کاهش یافت و به ۱،۶۰۰،۰۰۰ رسید. برنامه‌های تولید سالانه دولت نیز کاهش یافت و در سالهای اخیر به ۴/۱ تا ۴/۲ میلیون تن رسید. کارشناسان ازبک تصور می‌کنند که در ارتباط کنونی بازار پنبه جهان با تولید داخلی و وضعیت اجتماعی، محصول سالانه ۴/۲ تا ۴/۵ میلیون تن پنبه خام که معادل ۱/۴۵ تا ۱/۵۵ میلیون تن نخ تابیده و ریسندگی شده است بسیار مطلوب و مناسب است. در چندین سال گذشته ازبکستان در میان کشورهای عمده تولیدکننده پنبه پایین‌ترین محصول پنبه را داشت. چنانچه نخ حاصل از پنبه خام از ۳۲ درصد کنونی به ۴۰ درصد (سطح میانگین در چین) برسد، ۳۰۰،۰۰۰ تن دیگر پنبه تولید می‌شود. اما مشکل این است که ازبکستان در بسیاری از امور کشاورزی مربوط به تولید پنبه، حتی نوع بسیار مولد از انواع واریته آن محصولاتی می‌دهد که میزان آن در مقایسه با کشورهای همسایه که از همان بذرها استفاده می‌کنند، نصف است. این بدان معناست که محیط و شرایط تولید در امور تولید پنبه در ازبکستان بسیار متفاوت است و رشد سریع تولید پنبه را در کشور مختل می‌کند. برای بهبود وضعیت دانه‌های پنبه در کشور وزارت کشاورزی ازبکستان موافقتنامه‌ای با شرکت آمریکایی استون‌ویل پدیگریدسید^۲ که یک شرکت راهنما در این بخش است به امضا رسانید.

از سوی دیگر تلاشهایی در جهت پاک کردن و تهیه پنبه انجام می‌شود. انجمن ازبک‌لگپروم^۳ سرمایه‌گذاری مشترکی با گروهی از تجار آمریکایی برای تهیه الیاف با کیفیت عالی از پنبه ازبکستان و تهیه ژرسه انجام داده است. این سرمایه‌گذاری مشترک در تاشکند، جیزک^۴ و

1. Lorho

2. Stonewill Pedigreed Seed

3. Ozbeklegprom

4. Djizak

اندیجان نیز صورت می‌گیرد و تولید سالانه ۸۰۰۰ تن در نظر گرفته شده است.

ازبکستان از ۱۹۹۲ عضو مرکز تجاری پنبه لیورپول^۱ است. این کشور از نوامبر ۱۹۹۳ وارد انجمن پنبه لیورپول شد، در حال حاضر تنها ۱۵ تا ۱۶ درصد پنبه در داخل درجریان تولید قرار می‌گیرد و بقیه صادر می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که ۳۴ تا ۳۵ درصد در داخل برای تهیه منسوجات بکار رود و بدین ترتیب بافندگی و دوزندگی نوین نیز توسعه می‌یابد. به عقیده کارشناسان انجمن بازرگانان نساجی که در سوئیس نامشان به ثبت رسیده است، صنعت نساجی و بافندگی ازبکستان بخوبی مجهز هستند. تجارت پنبه در ازبکستان مستقل، ظاهراً به همان وضعیت سابق در دوران اتحاد شوروی پیشین باز می‌گردد. شکرالله میرسعیداف معاون پیشین رئیس جمهور ازبکستان به اتهام تبلیغ برای یک شرکت خارجی به سه سال زندان محکوم شد. این معامله ۵۵۰۸ هزار دلار خسارت برای ازبکستان به همراه داشت.

شرکای غربی به تولیدات نیز اعتبار داده و برای صنایع دستی نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند. شرکت ازبکستان - ایورتون^۲ با سرمایه ۵۰ درصد بریتانیایی، دستگاهها و ابزارهای تلویزیون رنگی تولید کرده و طرحها و شبکه‌های فروش خود را طوری سازمان‌دهی کرده که در کشاورزی، تجارت و توریسم بین‌الملل نیز فعالیت را آغاز کند.

فرانسه با فراهم نمودن «اعتبار تجاری»^۳ در ساخت پالایشگاه جدید در بخارا شرکت می‌کند. مرسدس-بنز و هوخست آلمان، سام سونگ و دتو^۴ نیز در پروژه‌های بزرگ در ازبکستان شرکت می‌کنند.

شرکایی نیز از کشورهای در حال توسعه در پروژه‌های مهم سرمایه‌گذاری می‌کنند. مثلاً شرکت تاتای هند^۵ در حال ساخت یک هتل بزرگ بین‌المللی در تاشکند می‌باشد. با این حال پروژه‌های بخشهای کلیدی اقتصاد ازبکستان تحت کنترل شرکتهایی از کشورهای توسعه‌یافته است. تنها مورد استثناء امور مهندسی تکنولوژی عالی است که در دوران اتحاد شوروی پیشین ساخته شد. آنها از همکاری با روسیه طفره می‌روند. مثلاً تاشکند همکاری با تولیدکنندگان هوانوردی روسیه را از سر گرفته است. نتیجه این همکاری جت‌توربو ۱۱۴-۱۱ برای خطوط داخلی است. شرکت هواپیمایی ملی ازبک در حدود ۵ هواپیما سفارش داده است که به پایتخت کشورهای دیگر آسیای مرکزی و نیز دهلی و کراچی سفر خواهند کرد. سازمان ملل برنامه ارتقای تجاری در ازبکستان را سازماندهی و سرمایه‌گذاری می‌کند. این برنامه آموزش و کار در شرکتهای

1. Liverpool cotton Exchange

2. Uzbekistan-Iverton

3. Credit Commercial

4. DEU

5. Tata Projects Ltd

خارجی را برای مدتی برای بازرگانان فراهم می‌کند. آموزش و امتحانات توسط افراد منتخب سازمان ملل انجام می‌شود. به فارغ‌التحصیلان در مراحل ابتدایی کار تجاری آنها کمک‌هایی می‌شود. در ۱۹۹۴ قوانین اقتصادی ازبکستان به‌طور چشمگیری تغییر یافت تا سرمایه‌گذاری خارجی را ارتقا دهد. تمامی خارجی‌ها می‌توانند اموال غیرمنقول را خریداری کنند. هیچ محدودیتی برای واردات و صادرات ارز خارجی وجود ندارد. سرمایه‌گذاران خارجی دارای ۵ سال معافیت از مالیات بردرآمد ارزی هستند و برای فروش ارز به بانک مرکزی ازبکستان آزاد هستند. تا اواخر ۱۹۹۳ تعداد ۲۴۳ سرمایه‌گذاری مشترک در ترکمنستان به ثبت رسید. مهمترین قرارداد با یک شرکت آرژانتینی برای توسعه میادین گاز طبیعی به امضا رسید. به علاوه شرکت‌های عرب، ترک، آلمانی و آمریکایی چندین قرارداد برای تولید نفت در ترکمنستان امضا کرده‌اند. شرکت ژاپنی «ایتوچو»^۱ در بازسازی پالایشگاه‌های نفت در کراسنودسک^۲ و چارجو^۳ و فرودگاه عشق‌آباد مشارکت خواهد داشت.

بانک اروپایی برای توسعه و بازسازی، اعتباری برای ارتقای تجارت در ترکمنستان باز کرده است. بانک جهانی برای توسعه برنامه اصلاحات اقتصادی و تقویت آژانس‌های دولتی مسئول در این امر و ۲۵ میلیون دلاری بیست‌ساله‌ای به ترکمنستان اعطا کرده است. این برنامه جهت کمک به برنامه خصوصی‌سازی، نوسازی سیستم بانکی و بازرسی و کمک‌های فنی در تغییر قوانین مالکیت و ورشکستگی به کار گرفته می‌شود.

شرکت‌های ایتالیایی فعالترین سرمایه‌گذاران در تولید مواد مصرفی خوراکی در ترکمنستان هستند. هنوز بیشتر سرمایه‌گذاری مشترک در امور تجارت خرد صورت می‌گیرد.

در سال ۱۹۹۲ تنها ۱۶ درصد گاز طبیعی ترکمنستان به خارج از جامعه مشترک‌المنافع صادر می‌شد. اکنون این کشور امکانات عظیمی برای تغییر صادرات از کشورهای جامعه مشترک‌المنافع به دیگر کشورها دارد. بخشی از این تغییرات در صادرات ترکمنستان، صدور برق به ترکیه است.

کمک‌های فنی به کشاورزی ترکمنستان از سوی کنسرسیوم شرکت‌های اروپایی: لندن میلز^۴ از بریتانیا، دنگرو^۵ از دانمارک، لوتی^۶ از ایتالیا و اگروپروگرس^۷ از آلمان صورت می‌گیرد. ترکمنستان مقادیر قابل ملاحظه‌ای گندم و گوشت از ایالات متحده آمریکا خریداری می‌کند.

1. Itochu

2. Krasnovodsk

3. Chardjou

4. Londell Mills

5. Denegro

6. Lotti

7. Agroprogress

قرقیزستان اساساً حمایت دولتهای خارجی و سازمانهای بین‌المللی را دارا می‌باشد. اقتصاد کوچک و شبکه ضعیف حمل‌ونقل در مناطق کوهستانی که بالقوه غنی از مواد معدنی بوده و می‌تواند موجب جلب سرمایه شود، مانع فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود. برنامه‌های کمک فنی توسط ترکیه، ایالات متحده آمریکا، جامعه اقتصادی اروپا و ژاپن صورت می‌گیرد. بانک آسیا وام ۴۰ ساله ۴۰ میلیون دلاری با بهره سالانه ۱ درصد برای توسعه کشاورزی، بازسازی بزرگراهها و پروژه‌های ضروری دیگر به قرقیزستان اهدا می‌کند. اقداماتی در مورد تسهیل تجارت خصوصی نیز در قرقیزستان صورت گرفته است. شرکتهای کانادایی به معادن طلای محلی علاقه‌مندند. شرکت ژاپنی تأیسی کنستسو^۱ آمادگی خود را برای حمایت از ساخت ۴۰۰ کیلومتر راه‌آهن که دسترسی به مناطق کوهستانی دارای زغال‌سنگ، سنگ‌آهن، فلزات کمیاب و معادن باارزش را ممکن می‌سازد، اعلام کرد. شرکت آمریکایی استاک^۲ عملیات اکتشاف و زمین‌شناسی برای نفت در دره چوئیسکایا^۳ و منطقه نارین^۴ قرقیزستان را انجام می‌دهد.

از میان ۷۵ سرمایه‌گذاری مشترک در قرقیزستان، شرکتهای کوچک تجاری با شرکای چینی سلطه بیشتری دارند. شرکتهای ترک در صنعت چرم و پشم سرمایه‌گذاری می‌کنند. جنگ داخلی در تاجیکستان مانعی برای سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور می‌باشد. بنابراین می‌توان اعمال نفوذ شرکتهای خارجی را در کشورهای آسیای مرکزی ملاحظه کرد. شرکتهای ترک، چینی و هندی در تجارت و چندین بخش از صنایع سبک موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند. شرکتهای غربی، ژاپنی و کره‌ای در پروژه‌های با سرمایه‌انبوه در بخشهای مواد معدنی، سوخت، پنبه و مهندسی نفوذ بسیاری دارند. روسیه به دلیل همکاری تکنولوژیک دیرینه با این کشورها هنوز نفوذ چشمگیری در این منطقه دارد، اما از نظر روابط تجاری و سرمایه‌گذاری، از بسیاری از کشورها در این رقابت عقب‌مانده است. بدیهی است که از نقطه نظر اتحاد فرهنگی، تاجیکستان بیشترین امکان را برای همکاری با ایران دارد. ولی ایران تلاش چندانی برای استفاده از منابع اقتصادی و تکنولوژیک خود برای برقراری روابط اقتصادی نزدیک با دیگر کشورهای آسیای مرکزی نمی‌کند. در چنین موقعیتی انتظار طولانی منجر به از دست دادن فرصتها می‌شود؛ زیرا توان اقتصادی آسیای مرکزی در تولید و مصرف چندان نیست و قراردادهای سودمند توسط دیگران به امضا می‌رسد.

1. Taisie Kensetsu

2. Astac

3. Chuiskaya

4. Naryn